

فضائل قرآن کریم

نویسنده:
قاری احسان اللہ صدیقی

ویراستار:
رحیم حسین پناہی

عنوان کتاب:

فضایل قرآن کریم

عنوان اصلی:

احادیث برگزیده فضایل قرآن کریم

نویسنده:

قاری احسان الله صدیقی

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آذر (قوس) ۱۴۰۰ شمسی، ربیع الآخر ۱۴۴۳
هجری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مختصر زندگی نامه قاری احسان الله صدیقی.....	۳
فصل اول.....	۷
فضیلت یادگرفتن و یاد دادن قرآن کریم به دیگران و آنچه که در باره فضیلت قاریان و حافظان قرآن آمده است.....	۷
فصل دوم.....	۱۱
افضیلت تلاوت قرآن و حفظ قرآن کریم و در مورد کسانی که در روز قیامت قرآن از آنها در نزد الله سبحان شفاعت میکند.....	۱۱
فصل سوم.....	۲۵
نهی از فراموش کردن قرآن و نهی از اختلاف و جدال در مورد قرآن.....	۲۵
فصل چهارم.....	۲۹
در باره سزای کسانی که به خاطر مردم قرآن تلاوت میکنند.....	۲۹
فصل پنجم.....	۳۴
در باره ختم قرآن کریم.....	۳۴
فصل ششم.....	۳۵
أجر خواندن ۱۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ آیه قرآن کریم در هنگام شب.....	۳۵
فصل هفتم.....	۴۰
فضیلت خواندن بعضی سوره ها و آیات قرآن کریم.....	۴۰

مختصر زندگی نامه قاری احسان الله صدیقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قاری احسان الله صدیقی، در سال ۱۳۸۰هـ. ش. در ولایت غزنی که یکی از شهرهای افغانستان می‌باشد، چشم به جهان گشود.

وی در سال ۱۳۹۲هـ. ش. به یکی از مدارس دینی راه یافت و به حفظ کردن قرآن کریم مشغول شد.

او در مدت ۳ سال به تکمیل قرآن کریم پرداخت و بعد از حفظ قرآن به فراگیری تجوید و صوت و لحن مشغول شد.

وی در سال ۱۳۹۶هـ. ش. از مدرسه حضرت عبدالله بن عباس از علوم قرآن سند فراغت خیش را اخذ نمود. بعد از فارغ شدن از مدرسه حضرت عبدالله بن عباس، به تحصیل علوم حدیث و فقه پرداخت.

وی تنها به علوم دینی اکتفا نکرد و در یکی از دبیرستان‌های که مخصوص خودشان می‌باشد به آموختن علوم عصری پرداخت.

وی یک فرد نابینا است: او به زبان خودش چنین بیان می‌فرماید: من هرگز به این فکر نکرده‌ام که چرا نابینا شده‌ام؛ برعکس، به این فکر بودم که چگونه می‌توانم پیشرفت و ترقی کنم

ایشان در طول عمرش، به‌ویژه در هنگام آموختن علم با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد؛ اما صبر و شکیبایی را پیشه خود ساخته و با توکل به الله براهش ادامه می‌داد.

ایشان به زبان خودش چنین بیان می‌فرماید: در حین حفظ قرآن کریم مشکلات زیادی داشتم. یکی از این مشکلات نبود ابزار ویژه برای فراگیری علوم قرآنی بود. تلاوت معنوی یا فراگیری و درک مفاهیم قرآن.

در مدرسه ما، طلاب اجازه داشتن گوشی و... نداشتند؛ ولی چونکه من نابینا بودم، برایم اجازه آوردن mp3 را دادند. اما این ابزار، مشکلات خود را داشت؛ که از آن

جمله نداشتن گزینه عقب بردن و جلو بردن یک سوره بود. هنگامی که یک جای مخصوصی را می خواستم که پیدا کنم، از اول سوره تا آیه مطلوب گوش می کردم. همچنین، در هنگام یادگیری علم در لیسه تعلیمات خاص؛ خصوصاً در هنگام رفتن این لیسه، با مشکلات شدیدی مواجه می شدم.

ما در روستای بودیم که در آنجا میان حکومت پیشین و طالبان جنگ شدیدی بود. هنگامی که از خانه به طرف لیسه حرکت می کردم، با همه خدا حافظی می کردم؛ با خودم می گفتم: شاید امروز آخرین روز زندگی ام باشد و با توکل به الله حرکت می کردم.

ولی چون خداوند توانا با من بود، نه تنها آسیبی به من نرسید، بلکه خداوند به من توفیق داد که از کلاس هشتم تا کلاس دوازدهم رتبه اول را از آن خود کنم. همانطوری که در روستا زندگی می کردیم، و تا شهر خیلی فاصله داشت، ماشین های مسافربری کم بود. هنگامی که از منزل به طرف لیسه حرکت می کردم؛ در جای مخصوص حدوداً نیم ساعت منتظر می ماندم تا یک ماشین پیدا شود و من را در شهر ببرند.

همچنین، ایشان در مورد مشکلاتش چنین می فرماید: از آن جمله مشکلاتی که من از آن بیشتر رنج می بردم، ندیدن دنیا و خصوصاً زخم زبان جاهلان بود! حتی از کسانی که امید حرف های زشت را نداشتم، ولی به من زخم زبان می زدند.

هنگامی که کودک بودم، مردم مرا به القاب زشت صدا می زدند و بچه های جاهل از ابزارهای مختلف برای آزار دادنم استفاده می کردند.

هنگامی که به حرف های جاهلان فکر می کردم، دست به دعا می بردم و از الله می خواستم که خدایا؟ اگر به خیر دنیا و آخرتم است چشمانم را شفا بده!

بهترین دوست ایشان: وی می فرماید: بهترین دوستم قرآن بود. هنگامی که ب مشکلی مواجه می شدم، به تلاوت قرآن می پرداختم؛ در هنگام تلاوت قرآن، آرامش را احساس می کردم؛ همه مشکلاتم فراموش می شد.

چه دوست خوبی است این قرآن!

او در سال ۱۳۹۸ ه. ش. نهادی را به نام روشن دلان در شهر غزنی به منظور آگاهی دهی و دادخواهی تأسیس نمود.

وی کتاب‌های مختلف را تألیف و ترجمه کرده است؛ که از آن جمله می‌توان به کتاب داستان‌ها و معجزات قرآن، فضیلت علم و کتاب حاضر (فضائل قرآن کریم) اشاره کرد.

وی با وجودی اینکه یک فرد نابیناست؛ خدمات و کارهای ارزشمندی انجام داده است.

یکی از شاهکارهای ایشان، ایجاد گروه آموزشی در تلگرام و واتساپ بود. او می‌فرماید: هنگامی که با اینترنت آشنا شدم، برای آموزش قرآن کریم، گروهی را در تلگرام و واتساپ ایجاد کردم.

سبب ترقی ایشان: وی سبب ترقی خودش را چنین توصیف می‌کند: سبب ترقی من، توفیق خداوند، زحمتهایم و ترغیب خانواده‌ام بود

والحمد لله رب العالمین. وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين



فصل اول

فضیلت یاد گرفتن و یاد دادن قرآن کریم به دیگران و آنچه که در باره فضیلت قاریان و حافظان قرآن آمده است.

۱ - عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». (بخاری).

ترجمه: عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد».

۲ - عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضی الله عنه قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَنَحْنُ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ: «أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بُطْحَانَ أَوْ إِلَى الْعَقِيقِ، فَيَأْتِي مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ كَوْمَاوَيْنِ، فِي غَيْرِائِمٍ وَلَا قَطْعِ رَحِمٍ؟ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحِبُّ ذَلِكَ، قَالَ: «أَفَلَا يَغْدُو أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَيَعْلَمُ أَوْ يَقْرَأُ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ، وَثَلَاثُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلَاثٍ، وَأَرْبَعُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَرْبَعٍ، وَمِنْ أَعْدَادِهِنَّ مِنَ الْإِبِلِ». (مسلم).

ترجمه: عقبه بن عامر رضی الله عنه می گوید: ما در صفه بودیم که رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: «چه کسی از شما دوست دارد که هر روز صبح به بطحان یا عقیق برود و بدون این که مرتکب گناه یا قطع ارتباط خویشاوندی شود، دو شتر بزرگ کوهان و زیبا بیاورد؟ ما گفتیم: یا رسول الله! همه ی ما این کار را دوست داریم. پیامبر اکرم ه فرمود: «بدانید که اگر یکی از شما به مسجد برود و دو آیه از کتاب الله متعال بیاموزد یا تلاوت نماید، برایش از دو شتر ماده بهتر است؛ و سه آیه از سه شتر، و چهار آیه از چهار شتر، و هر تعداد آیه از همان اندازه شتر، بهتر است».

(بُطْحَان) به ضم باء و سکون طاء: جایی در مدینه است.

۳ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ، وَيَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ». مسلم، أبو داود و...

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «گروهی نیستند که در خانه‌ای از خانه‌های خدا جمع شوند و با یکدیگر قرآن بخوانند و آن را مذاکره کنند، مگر اینکه بر آنان سکینه و آرامش نازل می‌شود و رحمت خداوند آنان را در برمی‌گیرد و فرشتگان آنان را احاطه کرده و خداوند متعال ایشان را در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند».

۴ - عَنْ بُرَيْدَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَتَعَلَّمَهُ وَعَمِلَ بِهِ؛ أُلِيسَ وَالِدَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَاجًا مِنْ نُورٍ، ضَوْؤُهُ مِثْلُ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَيُكْسَى وَالِدَاهُ حُلَّتَانِ لَا تَقُومُ لَهُمَا الدُّنْيَا، فَيَقُولَانِ: بِمِ كُسِينَا هَذَا؟ فَيَقَالُ: بِأَخْذِ وَلَدِكُمَا الْقُرْآنَ». (الحاكم).

ترجمه: از بُریده رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس قرآن را قرائت کند و آن را بیاموزد و به آن عمل کند، روز قیامت تاجی از نور بر سر پدر و مادر او نهاده می‌شود که درخشندگی آن همچون درخشندگی آفتاب است؛ و نیز بر پدر و مادرش جامه‌ای پوشانده می‌شود که از همه دنیا با ارزش‌تر است. پس آنان می‌گویند: به چه دلیلی این لباس‌ها بر ما پوشانده شده؟ پاسخ داده می‌شود: به دلیل آموزش دادن قرآن به فرزندان».

۵ - ع عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: أَنَّ أَصْفَرَ الْبُيُوتِ بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ. (الحاكم).

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: خالی‌ترین خانه [از خیر و برکت] خانه‌ای است که در آن چیزی از کتاب الله نیست.

۶ - وعن ابن عباس رضی الله عنه قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : إن الذي ليس في جوفه شيء من القرآن كالبيت الخرب . الترمذي، الدارمي .

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر قلب شخصی از قرآن خالی باشد، پس او (یا قلب او) مانند خانه خلوت یا مانند خانه خرابه است.

۷- ع عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضی الله عنه: أَنَّ امْرَأَةً عَرَضَتْ نَفْسَهَا عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوِّجْنِيهَا. فَقَالَ: «مَا عِنْدَكَ؟» قَالَ: مَا عِنْدِي شَيْءٌ، قَالَ: «أَذْهَبَ فَالْتَمَسَ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ». فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ شَيْئًا، وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ، وَلَكِنْ هَذَا إِزَارِي، وَلَهَا نِصْفُهُ، قَالَ سَهْلٌ: وَمَا لَهُ رِذَاءٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «وَمَا تَصْنَعُ بِإِزَارِكَ؟ إِنْ لَبِستَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُ شَيْءٌ، وَإِنْ لَبِستَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ مِنْهُ شَيْءٌ». فَجَلَسَ الرَّجُلُ حَتَّى إِذَا طَالَ مَجْلِسُهُ قَامَ. فَرَأَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَدَعَاهُ، أَوْ دَعِيَ لَهُ. فَقَالَ لَهُ: «مَاذَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ؟» فَقَالَ: مَعِيَ سُورَةُ كَذَا وَسُورَةُ كَذَا، لِيُؤَرِّثَ بِهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «أَمْلَكُنَاكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ». (بخاری).

ترجمه: سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: زنی، خودش را به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرضه کرد.

مردی گفت: ای رسول خدا! او را به ازدواج من در بیاور. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «چیزی هم داری؟» گفت: هیچ چیز ندارم. فرمود: «برو چیزی پیدا کن اگر چه انگشتری آهنی باشد». آن مرد رفت و پس از بازگشت، گفت: نه، سوگند به خدا که هیچ چیز حتی انگشتر آهنی هم پیدا نکردم، البته این ازارم، وجود دارد که می توانم نصفش را به او بدهم. سهل می گوید: آن مرد، ردایی هم نداشت. لذا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ازارت چه می شود؟ اگر تو آنرا بپوشی، چیزی برای او باقی نمی ماند و اگر او آنرا بپوشد، چیزی برای تو باقی نخواهد ماند». آنگاه مرد، همانجا نشست تا اینکه نشستنش طولانی شد. و هنگام برخاستن، نبی اکرم صلی الله علیه و آله او را دید. پس او را صدا زد و یا دستور داد تا صدایش بزنند و خطاب به او فرمود: «چقدر قرآن یاد داری؟» گفت: فلان و فلان سوره را یاد دارم و چند سوره را برشمرد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «او را در مقابل قرآنی که یاد داری، به نکاح تو در آوردم».

۸- وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «يَجِيءُ صَاحِبُ الْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ الْقُرْآنُ: يَا رَبِّ حَلِّهِ، فَيُلْبَسُ تَاجَ الْكِرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ زِدْهُ، فَيُلْبَسُ حُلَّةَ الْكِرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ اَرْضْ عَنْهُ، فَيَرْضَى عَنْهُ، فَيَقَالُ لَهُ: اقْرَأْ، وَارْقُ، وَيُزَادُ بِكُلِّ آيَةٍ حَسَنَةً». (ترمذی، ابن خزيمة و الحاکم).

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «روز قیامت صاحب قرآن می آید؛ پس قرآن می گوید: پروردگارا! او را بپوشان، پس تاج کرامت بر سر او نهاده می شود. پس از آن می گوید: پروردگارا! به او بیشتر بده! پس لباس کرامت بر او پوشیده می شود. قرآن می گوید: پروردگارا! از او خوشنود شو، پس خداوند از او راضی می گردد و به او گفته می شود: قرآن بخوان و بالا برو؛ و به این ترتیب با هر آیه ای که می خواند، یک نیکی افزوده می شود».

۹ - عَنْ جَابِرٍ رضی الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ يَجْمَعُ بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ مِنْ قَتْلَى أَحَدٍ - يَعْنِي فِي الْقَبْرِ -، ثُمَّ يَقُولُ: أَيُّهُمَا أَكْثَرُ أَخْذًا لِلْقُرْآنِ؟»، فَإِذَا أُشِيرَ إِلَى أَحَدِهِمَا، قَدَّمَهُ فِي اللَّحْدِ. بخاری.

ترجمه: جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله دو نفر از شهدای احد را در یک قبر دفن می کرد و می پرسید: کدامیک قرآن بیشتری حفظ دارد؟ هنگامی که به یکی از آنها اشاره می شد ابتدا او را در لحد می گذاشت.

۱۰ - وَعَنْ أَبِي مُوسَى رضی الله عنه قَالَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِنَّ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ إِكْرَامَ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ، وَحَامِلِ الْقُرْآنِ، غَيْرِ الْعَالِي فِيهِ، وَلَا الْجَانِي عَنْهُ، وَإِكْرَامَ ذِي السُّلْطَانِ الْمُقْسِطِ». (أبو داود).

ترجمه: از ابو موسی رضی الله عنه روایت است، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «از مصادیق تعظیم و بزرگداشت خداوند متعال، احترام به ریش سفیدان مسلمان و حاملان قرآن بدون افراط و تفریط و احترام به حاکم عادل می باشد».



فصل دوم



فضیلت تلاوت قرآن و حفظ قرآن کریم و در مورد کسانی که در روز قیامت قرآن از آنها در نزد الله سبحانه شفاعت میکند.

۱۱ - وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ **﴿الم﴾** حَرْفٌ، وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ، وَلَا مٌ حَرْفٌ، وَمِمْ حَرْفٌ». (ترمذی).

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس یک حرف از کتاب الله را بخواند، در برابر آن یک حسنه برای او خواهد بود و هر حسنه ده برابر آن پاداش دارد؛ نمی‌گوییم که **﴿الم﴾** یک حرف است بلکه «الف» یک حرف، «لام» یک حرف و «میم» یک حرف است».

۱۲ - وعن عبد الله بن عمرو بن العاص عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرْتِّلُ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا». أبو داود، و ترمذی.

ترجمه: از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «(در هنگام ورود به بهشت) به قاری و ملازم قرآن (در علم و عمل) گفته می‌شود: قرآن بخوان و (از پله‌های بهشت) بالا برو و با تأنی و تجوید بخوان، چنان که در دنیا با ترتیل می‌خواندی، زیرا منزلت تو در (حد) آخرین آیه‌ای است که می‌خوانی».

۱۳ - وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الْأَنْثَرَجَةِ، رِيحُهَا طَيِّبٌ، وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ. وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الثَّمَرَةِ، لَا رِيحَ لَهَا، وَطَعْمُهَا حُلُوٌّ. وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَثَلُ الرَّيْحَانَةِ، رِيحُهَا طَيِّبٌ، وَطَعْمُهَا مُرٌّ».

وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ كَمَثَلِ الْحُنْظَلَةِ لَيْسَ لَهَا رِيحٌ، وَطَعْمُهَا مُرٌّ». وفي رواية: «مثل الفاجر» بدل «المنافق». بخاري، مسلم، نسائي وابن ماجه.

ترجمه: از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مثال مؤمنی که قرآن می خواند، همانند ترنجی است که هم بو و هم طعم آن لذت بخش است. اما مؤمنی که قرآن را تلاوت نمی کند همچون خرماسست که بویی ندارد، اما طعم آن شیرین است. و منافقی که قرآن را تلاوت می کند، همچون ریحان است که بوی خوش و طعمی تلخ دارد. و منافقی که قرآن را تلاوت نمی کند، مانند حنظل است که بویی ندارد و طعم آن تلخ است». و در روایتی «مثال فاجر» به جای «منافق» آمده است. *** [حنظل: هندوانه‌ی ابوجهل].

۱۴ - وَعَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعَبُ فِيهِ، وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ». وفي رواية: «وَالَّذِي يَقْرُؤُهُ وَهُوَ يَشْتَدُّ عَلَيْهِ لَهُ أَجْرَانِ». بخاري، مسلم.

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که قرآن را ماهرانه بخواند، همراه فرشتگان بزرگوار و نیکوکار وحی است و کسی که قرآن را به سختی و با وقفه بخواند و خواندن آن بر وی دشوار باشد، دو اجر دارد». و در روایتی آمده است: «و هرکس درحالی قرآن بخواند که خواندن آن برایش دشوار است، برای او دو اجر می باشد».

۱۵ - وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله! أَوْصِنِي. قَالَ: «عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ». قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! زِدْنِي. قَالَ: «عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّهُ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ، وَدُخْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ». (ابن حبان).

ترجمه: از ابوذر رضی الله عنه روایت است که گفتیم: ای رسول الله صلی الله علیه و آله مرا سفارش کن. فرمود: «تقوای الهی را پیشه کن؛ زیرا آن رأس تمام کارها است». گفتیم: ای رسول الله ص!

بیش تر نصیحت کن. فرمود: «قرآن بخوان؛ زیرا آن نوری برای تو در زمین و ذخیره‌ای برای تو در آسمان است».

۱۶ - وَعَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْقُرْآنُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ، وَمَا حِلٌّ مُصَدَّقٌ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ». ابن حبان.

ترجمه: از جابر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعت او پذیرفته می‌شود و مجادله کننده‌ای تصدیق شده است. کسی که آن را پیشاپیش خود قرار دهد، او را به بهشت راهنمایی می‌کند و کسی که آن را پشت سر قرار دهد، او را به جهنم می‌کشاند».

۱۷ - وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ؛ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» الحديث. (مسلم).

ترجمه: از ابو امامه باهلی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: «قرآن بخوانید، چراکه قرآن در روز قیامت برای یاران خود شفاعت می‌کند».

۱۸ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَبْجِيءُ صَاحِبُ الْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ الْقُرْآنُ: يَا رَبِّ حَلِّهِ، فَيُلْبَسُ تَاجُ الْكَرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ زِدْهُ، فَيُلْبَسُ حُلَّةَ الْكَرَامَةِ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا رَبِّ ارْضَ عَنْهُ، فَيَرْضَى عَنْهُ، فَيَقَالُ لَهُ: اقْرَأْ، وَارْقُ، وَيُزَادُ بِكُلِّ آيَةٍ حَسَنَةً». ترمذی، ابن خزيمة و الحاکم.

ترجمه: از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «روز قیامت صاحب قرآن می‌آید؛ پس قرآن می‌گوید: پروردگارا! او را بپوشان، پس تاج کرامت بر سر او نهاده می‌شود. پس از آن می‌گوید: پروردگارا! به او بیشتر بده! پس لباس کرامت بر او پوشیده می‌شود. قرآن می‌گوید: پروردگارا! از او خشنود شو، پس خداوند از او راضی می‌گردد و به او گفته می‌شود: قرآن بخوان و بالا برو؛ و به این ترتیب با هر آیه‌ای که می‌خواند، یک نیکی افزوده می‌شود».

۱۹ - وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَارْقُ، وَرَتَّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ مَنَزِلَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ (تَقْرُؤُهَا)». ترمذی، أبو داود، ابن ماجه () وابن حبان.

ترجمه: و از عبدالله بن عمرو بن العاصی روایت است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«به صاحب قرآن گفته می شود: قرآن بخوان و بالا برو؛ بخوان چنانکه در دنیا

می خواندی؛ چراکه جایگاه تو نزد آخرین آیه ای است که آن را می خوانی.» ***

خطابی می گوید: «در اثر آمده است: تعداد آیات قرآن به اندازه ی درجات بهشت

می باشد. بنابراین به قاری گفته می شود: به اندازه ی آیاتی که از قرآن تلاوت نمودی، در

درجات بهشت بالا برو؛ پس هرکس به قرائت تمام قرآن پرداخته است، در آخرت به

بالاترین درجات بهشت دست می یابد. و هرکس جزئی از آن را خوانده است، ارتقای

وی در درجات بهشت به همان اندازه می باشد. و انتهای ثواب وی برابر است با پایان

آیاتی که می خواند.»

۲۰ - وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ هَذَا الْكِتَابَ، فَقَامَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ، وَرَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَتَصَدَّقَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ». بخاری، مسلم.

ترجمه: از ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «حسد جز در دو

مورد جایز نیست: مردی که خداوند متعال [حفظ و فهم] این کتاب (قرآن) را به او عطا

کرده باشد و شب و روز به آن پردازد و مردی که خداوند به او مال و ثروتی عنایت

کرده باشد و شب و روز در راه خدا انفاق نماید.» *** (الحسد) به صورت مطلق به

کار می رود و مراد از آن تمنای نابودی نعمت کسی است که مورد حسادت قرار

می گیرد. و این حرام است. و نیز اطلاق شده و مراد از آن غبطه می باشد که عبارت

است از تمنای آنچه دیگری دارد [بدون اینکه نابودی نعمت وی خواسته شود]. و این

اشکالی ندارد. و مراد از حسادت در اینجا همین غبطه می باشد.

۲۱ - وَعَنْهُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ه قَالَ: «الصَّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ، يَقُولُ الصَّيَامُ: رَبِّ إِنِّي مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ بِالتَّهَارِ؛ فَشَفَّعَنِي فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: رَبِّ مَنَعْتُهُ التَّوَمَّ بِاللَّيْلِ؛ فَشَفَّعَنِي فِيهِ، فَيُشَفَّعَانِ». أحمد، ابن أبي الدنيا و طبرانی و حاکم.

ترجمه: از او یعنی عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«روزه و قرآن برای انسان شفاعت می کنند. روزه می گوید: پروردگارا! در طول روز مانع خوردن و نوشیدن او شدم پس مرا شفیع او قرار ده. و قرآن می گوید: پروردگارا! مانع خواب شب او شدم پس مرا شفیع او قرار ده. پس آن دو شفاعت می کنند».

۲۲ - وَعَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «إِنَّ لِلَّهِ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ». قَالُوا: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ». نسائي، ابن ماجه و الحاکم.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال در بین مردم دوستان و اولیایی دارد». گفتند: ای رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: «اهل قرآن، اهل الله و خاصان او هستند».

۲۳ - وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه قَالَ: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ لَمْ يَرَدْ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾، قَالَ: [إِلَّا] (الَّذِينَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ). (الحاکم).

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که می گوید: کسی که قرآن بخواند به سنی نمی رسد که دچار اختلال عقلی گردد؛ زیرا خداوند می فرماید: «سپس او را به پایین تر مرحله بر گردانیدیم مگر کسانی که ایمان آوردند». و فرمود: [مگر] کسانی که قرآن می خوانند».

۲۴ - عَنْ أُسَيْدِ بْنِ حُضَيْرٍ رضی الله عنه قَالَ: بَيْنَمَا هُوَ يَقْرَأُ مِنَ اللَّيْلِ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، وَقَرَسَهُ مَرْبُوطَةً عِنْدَهُ، إِذْ جَالَتِ الْفَرَسُ فَسَكَتَ فَسَكَتَتْ، فَقَرَأَ فَجَالَتِ الْفَرَسُ، فَسَكَتَ وَسَكَتَتِ الْفَرَسُ، ثُمَّ قَرَأَ فَجَالَتِ الْفَرَسُ، فَانْصَرَفَ، وَكَانَ ابْنُهُ يَحْيَى قَرِيبًا مِنْهَا، فَأَشْفَقَ أَنْ تُصِيبَهُ، فَلَمَّا اجْتَرَّهَ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ حَتَّى مَا يَرَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ حَدَّثَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله ، فَقَالَ: «اقْرَأْ يَا ابْنَ حُضَيْرٍ، اقْرَأْ يَا ابْنَ حُضَيْرٍ». قَالَ: فَأَشْفَقْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ تَطَأَ يَحْيَى وَكَانَ مِنْهَا قَرِيبًا، فَزَعَمْتُ رَأْسِي فَانْصَرَفْتُ إِلَيْهِ، فَزَعَمْتُ رَأْسِي إِلَى السَّمَاءِ، فَإِذَا مِثْلُ الظِّلَّةِ فِيهَا أَمْثَالُ الْمَصَابِيحِ، فَخَرَجْتُ حَتَّى لَا أَرَاهَا، قَالَ:

«وَتَذَرِي مَا ذَاكَ؟» قَالَ: لَا، قَالَ: «تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ دَنَتْ لِصَوْتِكَ، وَلَوْ قَرَأْتَ لَأَصْبَحَتْ يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَيْهَا لَا تَتَوَارَى مِنْهُمْ». (بخاری).

ترجمه: از اسید بن خضیر رضی الله عنه روایت است که او در یکی از شبها، در حالی که اسب‌اش در نزدیکی او بسته شده بود، سوره بقره را تلاوت می‌کرد. ناگهان، اسب شروع به دست و پا زدن کرد. اسید، سکوت کرد. اسب نیز آرام گرفت. او دوباره، شروع به خواندن قرآن نمود. اسب نیز شروع به دست و پا زدن کرد. دوباره، اسید سکوت کرد و اسب نیز آرام گرفت. بار دیگر، شروع به خواندن قرآن کرد. باز هم اسب، شروع به دست و پا زدن کرد. سرانجام از خواندن قرآن، منصرف شد. زیرا فرزندش؛ یحیی؛ نزدیک اسب قرار داشت و او می‌ترسید که اسب به فرزندش آسیبی برساند. پس هنگامی که فرزندش را از آنجا دور ساخت، سرش را به سوی آسمان، بلند کرد تا اسب را نبیند. صبح روز بعد، ماجرا را برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله بازگو نمود. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ای فرزند خضیر! (چه خوب بود) به تلاوت ادامه می‌دادی. (چه خوب بود) به تلاوتات ادامه می‌دادی». اسید گفت: ای رسول خدا! یحیی نزدیک آن بود. ترسیدم که او را لگدمال کند. بدین جهت، سرم را بلند کردم و بسوی فرزندم رفتم. آنگاه بسوی آسمان نگاه کردم. چیزی شبیه سایبان دیدم که اشیایی مانند چراغ در آن وجود داشت. پس بیرون رفتم تا آنها را نبینم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا می‌دانی که آنها چه بودند؟» گفت: خیر. آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «آنان، فرشتگان بودند که بخاطر صدايت، نزدیک آمده بودند. و اگر به قرائتات ادامه می‌دادی، آنها تا صبح، آنجا می‌ماندند بدون اینکه از نظر مردم، پنهان بمانند».

۲۵ - عَنْ أَنَسٍ رضی الله عنه أَنَّهُ سُئِلَ: كَيْفَ كَانَتْ قِرَاءَةُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: كَانَتْ مَدًّا، ثُمَّ قَرَأَ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) يَمْدُ بِبِسْمِ اللَّهِ وَيَمْدُ بِالرَّحْمَنِ وَيَمْدُ بِالرَّحِيمِ. (بخاری).

ترجمه: از انس (رض) پرسیدند: قراءت نبی اکرم ﷺ چگونه بود؟ گفت: حروف را کشیده می خواند. سپس، انس ﷺ بسم الله الرحمن الرحيم را خواند و هر یک از بسم الله و رحمن و رحيم را کشیده خواند.

۲۶ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضی الله عنه قَالَ: أَنْكَحَنِي أَبِي امْرَأَةً ذَاتَ حَسَبٍ، فَكَانَ يَتَعَاهَدُ كُنْتَهُ فَيَسْأَلُهَا عَنْ بَعْلِهَا، فَتَقُولُ: نَعَمْ الرَّجُلُ مِنْ رَجُلٍ، لَمْ يَطَأْ لَنَا فِرَاشًا، وَلَمْ يُفْتَشْ لَنَا كَنْفًا مُنْذُ أَتَيْنَاهُ، فَلَمَّا طَالَ ذَلِكَ عَلَيْهِ ذَكَرَ لِلنَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: «الْفَنِي بِهِ». فَلَقِيْتُهُ بَعْدَ، فَقَالَ: «كَيْفَ تَصُومُ؟» قَالَ: كُلُّ يَوْمٍ، قَالَ: «وَكَيْفَ تَحْتِمُ؟» قَالَ: كُلُّ لَيْلَةٍ، قَالَ: «صُمْ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةً، وَاقْرَأِ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ». قَالَ: قُلْتُ: أَطِيقُ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: «صُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْجُمُعَةِ». قُلْتُ: أَطِيقُ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: «أَفْطِرُ يَوْمَيْنِ، وَصُمْ يَوْمًا». قَالَ: قُلْتُ: أَطِيقُ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: «صُمْ أَفْضَلَ الصَّوْمِ صَوْمَ دَاوُدَ، صِيَامَ يَوْمٍ وَإِفْطَارَ يَوْمٍ، وَاقْرَأْ فِي كُلِّ سَبْعٍ لَيَالٍ مَرَّةً». فَلَقِيْتَنِي قَبْلْتُ رُخْصَةً رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَذَاكَ أَنِّي كَبُرْتُ وَضَعُفْتُ، فَكَانَ يَقْرَأُ عَلَى بَعْضِ أَهْلِهِ السُّبْحَ مِنَ الْقُرْآنِ بِالنَّهَارِ، وَالَّذِي يَقْرُوهُ يَعْرِضُهُ مِنَ النَّهَارِ، لِيَكُونَ أَحَقَّ عَلَيْهِ بِاللَّيْلِ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَقَوَّى أَفْطَرَ أَيَّامًا، وَأَحْصَى وَصَامَ مِثْلَهُنَّ، كَرَاهِيَةً أَنْ يَبْرُكَ شَيْئًا فَارَقَ النَّبِيَّ ﷺ عَلَيْهِ. (بخاری).

ترجمه: عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می گوید: پدرم، دختری از خانواده ای اصیل، به نکاحم در آورد. و همیشه عروس اش را سر می زد و حال شوهرش را از او می پرسید. او گفت: مرد بسیار خوبی است. ولی از زمانی که نزد او آمده ام به رختخواب نیامده و با من همبستر نشده است. پس هنگامی که این ماجرا برای پدرم، طولانی شد، آنرا برای نبی اکرم ﷺ بازگو کرد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «او را نزد من بفرست». سپس هنگامی که با رسول خدا ﷺ ملاقات کردم، فرمود: «چگونه روزه می گیری؟» گفتم: هر روز. فرمود: «چگونه قرآن را ختم می کنی؟» گفتم: هر شب. فرمود: «هر ماه، سه روز، روزه بگیر و یک بار قرآن را ختم کن». گفتم: بیشتر از این، توانایی دارم. فرمود: هفته ای سه روز، روزه بگیر». گفتم: بیشتر از این، توانایی دارم. فرمود: «دو روز، بخور و یک روز، روزه بگیر». گفتم: بیشتر از این، توانایی دارم. فرمود: «بهترین روزه، روزه داوود است که یک روز، روزه می گرفت و روز دیگر، می خورد. و هر هفت شب، یک بار، قرآن را

ختم کن». ای کاش! رخصت رسول الله ﷺ را می پذیرفتم زیرا که هم اکنون پیر و ضعیف شده‌ام.. راوی می گوید: پس از آن، ابن عمرو رضی الله عنهما روزانه، یک هفتم قرآن را نزد یکی از افراد خانواده اش تلاوت می کرد. و آنچه را که می خواست در شب، تلاوت نماید، در روز، تکرار می کرد تا تلاوت شب، برایش آسانتر شود. و هنگامی که می خواست تقویت شود، چند روز، می خورد و آنها را می شمرد. سپس به تعداد آن روزها، روزه می گرفت و دوست نداشت آنچه را که در زمان رسول خدا ﷺ انجام می داد، اکنون ترک کند

۲۸ - عَنْ جُنْدَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «افْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا اتَّخَفْتُمْ فُلُوبُكُمْ، فَإِذَا اخْتَلَفْتُمْ فَقُومُوا عَنْهُ». (بخاری).

ترجمه: جندب بن عبدالله رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «تا زمانی که با نشاط هستید و حضور قلب دارید، قرآن تلاوت کنید. و هنگامی که نشاط و علاقه ندارید، آنرا ترک کنید».

۲۹ - عَنْ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ: أَنَّ نَافِعَ بْنَ عَبْدِ الْحَارِثِ لَقِيَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَسْتَعْمِلُهُ عَلَى مَكَّةَ، فَقَالَ: مَنِ اسْتَعْمَلْتَ عَلَى أَهْلِ الْوَادِي؟ فَقَالَ: ابْنُ أَبِيزَى، قَالَ: وَمَنْ ابْنُ أَبِيزَى؟ قَالَ: مَوْلَى مِنْ مَوَالِينَا، قَالَ: فَاسْتَخْلَفْتَ عَلَيْهِمْ مَوْلَى؟ قَالَ: إِنَّهُ قَارِئٌ لِكِتَابِ اللَّهِ لَأُ، وَإِنَّهُ عَالِمٌ بِالْفَرَائِضِ، قَالَ عُمَرُ: أَمَا إِنَّ نَبِيَّكُمْ ص قَدْ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ». (مسلم).

ترجمه: عامر بن وائله می گوید: نافع بن عبد الحارث که قبلاً از طرف عمر بن خطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ برای مدتی، استاندار مکه تعیین شده بود، در عسفان با عمر بن خطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ملاقات نمود و گفت: چه کسی را به عنوان فرماندار اهل وادی (مکه) تعیین نموده‌ای؟ نافع جواب داد: ابن ابزی را تعیین کرده‌ام. عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: ابن ابزی کیست؟ نافع جواب داد: یکی از بردگان آزاد شده‌ی ماست. عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: برده‌ای را بر آنان، حاکم نموده‌ای؟ نافع جواب داد: او قاری قرآن است و علم میراث را خوب می داند. عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت:

بدانید که پیامبر شما فرمود: «الله متعال بوسیله‌ی این کتاب (قرآن) به افرادی عزت و سربلندی عنایت می‌کند، و افراد دیگری را خوار و ذلیل می‌نماید». (کسانی را که به آن، ایمان بیاورند و عمل نمایند، عزت می‌دهد و کسانی را که ایمان نیاورند و عمل نکنند، خوار و ذلیل می‌نماید).

۳۰ - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعَعُّ فِيهِ، وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ، لَهُ أَجْرَانِ». (مسلم).

ترجمه: عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در خواندن قرآن، مهارت دارد، (روز قیامت) منزلتی مانند منزلت فرشتگان بزرگوار و نیکوکار خواهد داشت. و کسی که با لکنت زبان و سختی آن را تلاوت نماید، دو پاداش دارد».

۳۱ - عَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَجُلٌ يَقْرَأُ سُورَةَ الْكَهْفِ، وَعِنْدَهُ فَرَسٌ مَرْبُوطٌ بِشَظَنَيْنِ، فَتَغَشَّتْهُ سَحَابَةٌ، فَجَعَلَتْ تَدُورُ وَتَدُونُو، وَجَعَلَ فَرَسُهُ يَنْفِرُ مِنْهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَتَى النَّبِيَّ هَذَا فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ: «تِلْكَ السَّكِينَةُ، تَنَزَّلَتْ لِلْقُرْآنِ». (مسلم).

ترجمه: براء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: مردی که در نزدیکی‌اش یک اسب با دو طناب، بسته شده بود، قرآن تلاوت می‌نمود؛ پس ابری که در حرکت بود و به او نزدیک می‌شد، او را فرا گرفت؛ اسب از آن ابر دچار وحشت گردید. هنگامی که صبح شد، آن مرد نزد نبی اکرم ﷺ آمد و ماجرا را برای ایشان بیان نمود. پیامبر اکرم ص فرمود: «آن، سکینه و رحمتی بوده است که بخاطر قرآن، نازل شده است».

۳۲ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَا أَذِنَ اللَّهُ لِشَيْءٍ، مَا أَذِنَ لِنَبِيِّ حَسَنِ الصَّوْتِ، يَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ». (مسلم).

ترجمه: ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «الله متعال به هیچ چیز دیگری به اندازه‌ای که به صدای پیامبر خوش صوتی که قرآن را با آواز خوب و صدای بلند می‌خواند، گوش نداده است».

۳۳ - عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ قُرَّةَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَعْقِلٍ الْمُزَنِيَّ رضی اللہ عنہ يَقُولُ: قَرَأَ النَّبِيُّ صلی اللہ علیہ وسلم عَامَ الْفَتْحِ، فِي مَسِيرٍ لَهُ، سُورَةَ الْفَتْحِ عَلَى رَاحِلَتِهِ، فَرَجَعَ فِي قِرَاءَتِهِ، قَالَ مُعَاوِيَةُ: لَوْلَا أَنِّي أَخَافُ أَنْ يَجْتَمَعَ عَلَيَّ النَّاسُ، لَحَكَيْتُ لَكُمْ قِرَاءَتَهُ. (مسلم).

ترجمہ: معاویہ بن قرہ می گوید: شنیدم کہ عبد اللہ بن معقل مزنی رضی اللہ عنہ می گفت: سال فتح مکہ، نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در یکی از مسیرهایش کہ بر مرکبش سوار بود، سوره ی فتح را خواند و هنگام خواندن آن، صدایش را در گلو ی خود چرخاند؛ اگر نمی ترسیدم کہ مردم اطراف من جمع شوند، از صدایش، تقلید می کردم و برای شما می خواندم.

۳۴ - عَنْ عَائِشَةَ رضی اللہ عنہا أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ مِنَ اللَّيْلِ، فَقَالَ: «يَرْحَمُهُ اللَّهُ، لَقَدْ أَذْكَرَنِي كَذَا وَكَذَا: آيَةٌ كُنْتُ أَسْقِطُهَا مِنْ سُورَةِ كَذَا وَكَذَا». (مسلم).

ترجمہ: عایشہ رضی اللہ عنہا می گوید: نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم صدای مردی را کہ شبانہ، قرآن می خواند، شنید و فرمود: «اللہ متعال بر او رحم کند؛ زیرا او فلان و فلان و فلان آیه از فلان و فلان سوره را کہ من فراموش کرده بودم، به یادم آورد».

۳۵ - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم: «لَأُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ: إِنَّ اللَّهَ لَا أَمَرَني أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ: ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ [البينة: ۱]. قَالَ: وَسَمَانِي لَكَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ فَبَكَى. (مسلم).

ترجمہ: انس بن مالک رضی اللہ عنہ می گوید: نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم خطاب به اُبی بن کعب فرمود: «اللہ متعال به من دستور داده است تا سوره ی ﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (بینه) را برای تو بخوانم». اُبی گفت: اللہ متعال اسم مرا گرفت؟ پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «بلی». اُبی با شنیدن این سخن، به گریه افتاد.

۳۶ - عَنْ عَامِرٍ هُوَ الشَّعْبِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ عَلْقَمَةَ رضی اللہ عنہا هَلْ كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ رضی اللہ عنہ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَيْلَةَ الْحِجْنِ؟ قَالَ: فَقَالَ عَلْقَمَةُ: أَنَا سَأَلْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ فَقُلْتُ: هَلْ شَهِدَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَيْلَةَ الْحِجْنِ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنَّا كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم ذَاتَ لَيْلَةٍ، فَفَقَدْنَاهُ، فَالْتَمَسْنَاهُ فِي الْأَوْدِيَةِ وَالشَّعَابِ، فَقُلْنَا: اسْتَطِيرَ أَوْ اغْتِيلَ، قَالَ: فَبِتْنَا بِشَرِّ لَيْلَةٍ بَاتَ بِهَا قَوْمٌ، فَلَمَّا أَصْبَحْنَا إِذَا

هُوَ جَاءَ مِنْ قِبَلِ حِرَاءٍ، قَالَ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَدْنَاكَ فَطَلَبْنَاكَ فَلَمْ نَجِدْكَ، فَبَيْنَا بِشَرِّ لَيْلَةٍ بَاتَ بِهَا قَوْمٌ، فَقَالَ: «أَتَانِي دَاعِي الْجِنِّ، فَذَهَبْتُ مَعَهُ، فَقَرَأْتُ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ» قَالَ فَانْطَلَقَ بِنَا فَأَرَانَا أَثَارَهُمْ وَآثَارَ نِيرَانِهِمْ، وَسَأَلُوهُ الرَّادَّ، فَقَالَ: «لَكُمْ كُلُّ عَظْمٍ ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقَعُ فِي أَيْدِيكُمْ؛ أَوْفَرَ مَا يَكُونُ لَحْمًا، وَكُلُّ بَعْرَةٍ عُلْفٌ لِدَوَابِّكُمْ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَلَا تَسْتَنْجُوا بِهِمَا فَإِنَّهُمَا طَعَامُ إِخْوَانِكُمْ». (مسلم).

ترجمه: عامر شعبی می گوید: از علقمه رضی الله عنه پرسیدم: آیا عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در شب معروف به شب جن همراه رسول الله ﷺ حضور داشت؟ علقمه گفت: من از ابن مسعود رضی الله عنه پرسیدم که: آیا در شب معروف به شب جن، کسی از شما همراه رسول الله ﷺ بود؟ گفت: خیر؛ ولی شبی، همراه پیامبر اکرم ﷺ بودیم که وی از میان ما ناپدید گردید. ما در دره ها و راه های کوهستانی به جستجوی ایشان پرداختیم و با خود گفتیم: ربوده یا ترور شده است. به هر حال، بدترین شبی را که یک گروه پشت سر می گذارد، ما پشت سر گذاشتیم. هنگام صبح، پیامبر اکرم (ص) از جانب کوه حراء آمد. ما گفتیم: یا رسول الله! شما از میان ما ناپدید شدید؛ ما تلاش نمودیم تا شما را پیدا کنیم؛ اما شما را نیافتیم. و این گونه بدترین شبی را که یک ملت سپری می کند، سپری نمودیم. رسول الله ﷺ فرمود: «دعوتگر جن ها نزد من آمد؛ من همراه او رفتم و برای آنها قرآن تلاوت کردم». راوی می گوید: آنگاه رسول الله ﷺ ما را برد و آثارشان و آثار آتش آنها را به ما نشان داد. هم چنین جن ها از پیامبر اکرم ﷺ درخواست غذا کردند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر استخوانی که نام الله متعال بر آن گرفته شده باشد و بدست شما افتاد، بطور کامل، گوشت خواهد داشت و آن، غذای شما خواهد بود. هم چنین هر سرگین حیوان، غذای چارپایان شما خواهد بود». راوی می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «پس با استخوان و سرگین حیوانات، استنجا نگیرید؛ چرا که آنها غذای برادران شما هستند».

۳۷- عَنْ مَعْنٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي قَالَ: سَأَلْتُ مَسْرُوقًا: مَنْ أَذَنَ النَّبِيِّ ﷺ بِالْجِنِّ لَيْلَةَ اسْتَمْعُوا الْقُرْآنَ؟ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبُوكَ - يَعْنِي ابْنَ مَسْعُودٍ - أَنَّهُ أَذَنَتْهُ بِهِمْ شَجَرَةٌ. (مسلم).

ترجمه: معن می گوید: از پدرم شنیدم که گفت: از مسروق پرسیدم: شبی که جن ها به قرآن، گوش فرا دادند، چه کسی نبی اکرم ﷺ را از وجود آنان، با خبر ساخت؟ مسروق گفت: پدرت یعنی عبدالله بن مسعود (رض) به من گفت: یک درخت نبی اکرم ﷺ را از وجود آنان با خبر ساخت.

۳۸ - عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضی الله عنه: أَنَّ امْرَأَةً عَرَضَتْ نَفْسَهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوِّجْنِيهَا. فَقَالَ: «مَا عِنْدَكَ؟» قَالَ: مَا عِنْدِي شَيْءٌ، قَالَ: «أَذْهَبَ فَاَلْتَمِسْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ». فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ شَيْئًا، وَلَا خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ، وَلَكِنْ هَذَا إِزَارِي، وَلَهَا نِصْفُهُ، قَالَ سَهْلٌ: وَمَا لَهُ رِذَاءٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «وَمَا تَصْنَعُ بِإِزَارِكَ؟ إِنَّ لِبِسَتَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُ شَيْءٌ، وَإِنْ لِبِسَتَهُ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ مِنْهُ شَيْءٌ». فَجَلَسَ الرَّجُلُ حَتَّى إِذَا طَالَ مَجْلِسُهُ قَامَ. فَرَأَهُ النَّبِيُّ ﷺ فَدَعَاهُ، أَوْ دَعِيَ لَهُ. فَقَالَ لَهُ: «مَاذَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ؟» فَقَالَ: مَعِيَ سُورَةُ كَذَا وَسُورَةُ كَذَا، لِسُورٍ يُعَدِّدُهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَمْلَكُنَاكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ». (بخاری).

ترجمه: سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: زنی، خودش را به نبی اکرم ﷺ عرضه کرد.

مردی گفت: ای رسول خدا! او را به ازدواج من در بیاور. آنحضرت ﷺ فرمود: «چیزی هم داری؟» گفت: هیچ چیز ندارم. فرمود: «برو چیزی پیدا کن اگر چه انگشتی آهنی باشد». آن مرد رفت و پس از بازگشت، گفت: نه، سوگند به خدا که هیچ چیز حتی انگشت آهنی هم پیدا نکردم، البته این ازارم، وجود دارد که می توانم نصفاش را به او بدهم. سهل می گوید: آن مرد، ردایی هم نداشت. لذا رسول الله ﷺ فرمود: «ازارت چه می شود؟ اگر تو آنرا بپوشی، چیزی برای او باقی نمی ماند و اگر او آنرا بپوشد، چیزی برای تو باقی نخواهد ماند». آنگاه مرد، همانجا نشست تا اینکه نشستنش طولانی شد. و هنگام برخاستن، نبی اکرم ﷺ او را دید. پس او را صدا زد و یا دستور داد تا صدایش بزنند و خطاب به او فرمود: «چقدر قرآن یاد داری؟» گفت: فلان و فلان سوره را یاد دارم و چند سوره را برشمرد. نبی اکرم ﷺ فرمود: «او را در مقابل قرآنی که یاد داری، به نکاح تو در آوردم».

۳۹ - أَنَّ أَبُوهُرَيْرَةَ رضی الله عنه كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْبَيْتَ لَيَتَسَّعُ عَلَى أَهْلِهِ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَيَكْثُرُ خَيْرُهُ أَنْ يُقْرَأَ فِيهِ الْقُرْآنُ وَإِنَّ الْبَيْتَ لَيَضِيقُ عَلَى أَهْلِهِ وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَيَقِلُّ خَيْرُهُ أَنْ لَا يُقْرَأَ فِيهِ الْقُرْآنُ. (دارمی).

ترجمه: حضرت ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: اگر قرآن در خانه ای خوانده شود ، آن خانه برای خانواده گسترده می شود ، فرشتگان در آن خانه می آیند ، شیاطین آن خانه را ترک می کنند و خوبی ها در آن خانه افزایش می یابد و اگر در خانه ای قرآن تلاوت نمیشود، خانه برای خانواده تنگ می شود. فرشتگان آن خانه را رها می کنند و می روند. شیاطین آنجا پناه می برند و خوبی ها در آنجا کاهش می یابد.

۴۰ - عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا. (دارمی).

ترجمه: حضرت براء بن عازب میفرماید: من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: قرآن را با صدای خود زیبا کنید ، زیرا صدای خوب زیبایی قرآن را افزایش می دهد.

۴۱ - وَرَوِيَ عَنْ جَابِرٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؛ الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ حَسِبْتُمُوهُ يَخْشَى اللَّهَ». (ابن ماجه).

ترجمه: از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوش صداترین مردم در تلاوت قرآن کسی است که هرگاه قرآن خواندنش را می شنوید این تصور در مورد وی برای شما تداعی می شود که وی از خدا می ترسد».

۴۲ - وَعَنْ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ: قَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَزِيدَ: مَرَّ بَنَا أَبُو لُبَابَةَ، فَاتَّبَعْنَاهُ حَتَّى دَخَلَ بَيْتَهُ، فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ، فَإِذَا رَجُلٌ رَثُّ الْهَيْئَةِ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ بِالْقُرْآنِ». قَالَ: فَقُلْتُ لِابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَرَأَيْتَ إِذَا لَمْ يَكُنْ حَسَنَ الصَّوْتِ؟ قَالَ: «يُحَسِّنُهُ مَا اسْتَطَاعَ». (أبو داود).

ترجمه: از ابن ابی ملیکه روایت است که عبیدالله بن ابو یزید گفت: ابو لبابه از کنار ما گذشت، پس او را تعقیب کردیم تا اینکه وارد خانه اش شد، پس بر او وارد شدیم؛ او مردی بد هیئت بود که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «از ما نیست

کسی که قرآن را با صدای خوش نخواند». به ابن ابی ملیکه گفتم: ای ابو محمد! در مورد کسی که صدایش زیبا نیست نظرت چیست؟ گفت: تا آنجا که می تواند آن را زیبا سازد.

۴۳ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّهُ مَرَّ بِسُوقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَفَ عَلَيْهَا فَقَالَ: يَا أَهْلَ السُّوقِ! مَا أَعْجَزَكُمْ! قَالُوا: وَمَا ذَاكَ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ؟ قَالَ: ذَاكَ مِيرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُقَسَّمُ، وَأَنْتُمْ هَاهُنَا؛ أَلَا تَذْهَبُونَ فَتَأْخُذُونَ نَصِيبَكُمْ مِنْهُ؟ قَالُوا: وَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي الْمَسْجِدِ، فَخَرَجُوا سِرَاعًا، وَوَقَفَ أَبُو هُرَيْرَةَ لَهُمْ حَتَّى رَجَعُوا، فَقَالَ لَهُمْ، مَا لَكُمْ؟ فَقَالُوا: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ! قَدْ أَتَيْنَا الْمَسْجِدَ فَدَخَلْنَا فِيهِ، فَلَمْ نَرِ فِيهِ شَيْئًا يُقَسَّمُ! فَقَالَ لَهُمْ أَبُو هُرَيْرَةَ: وَمَا رَأَيْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا؟ قَالُوا: بَلَى؛ رَأَيْنَا قَوْمًا يُصَلُّونَ، وَقَوْمًا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، وَقَوْمًا يَتَذَكَّرُونَ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، فَقَالَ لَهُمْ أَبُو هُرَيْرَةَ: وَيَحْكُمُ! فَذَاكَ مِيرَاثُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (طبرانی).

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که وی از بازار مدینه می گذشت، پس توقف کرد و گفت: ای بازاریان! چه چیزی شما را عاجز نموده است! گفتند: ای ابوهریره (رض)! از چه چیزی؟ گفت: از میراث رسول الله صلی الله علیه و آله که تقسیم می شود و شما اینجا هستید؛ آیا نمی روید تا سهم خویش را دریافت کنید؟ گفتند: کجا؟ گفت: در مسجد. بازاریان به سرعت رفتند، ابوهریره رضی الله عنه آنجا ماند تا برگشتند؛ آنگاه به آنها گفت: چه شد؟ گفتند: ما داخل مسجد رفتیم اما ندیدیم که چیزی تقسیم کنند! ابوهریره (رض) به آنها گفت: آیا شما در مسجد کسی را ندیدید؟ گفتند: بله، گروهی دیدیم که نماز می خواندند و جمعی تلاوت قرآن می کردند و گروهی از حلال و حرام سخن می گفتند؛ ابوهریره (رض) به آنها گفت: وای بر شما! این همان میراث محمد صلی الله علیه و آله است.



فصل سوم

نهی از فراموش کردن قرآن و نهی از اختلاف و جدال در مورد قرآن.

۴۴ - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الْإِبِلِ الْمُعَقَّلَةِ، إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا، وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ». (بخاری).

ترجمه: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال قاری قرآن مانند صاحب شتری است که زانوی آنرا بسته باشد. اگر از او نگهداری کند، نزدش می ماند و اگر او را رها سازد، می رود».

۴۵ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «يُسَسِّ مَا لِأَحَدِهِمْ أَنْ يَقُولَ: ذَسَيْتُ آيَةَ كَيْتٍ وَكَيْتٍ، بَلْ نُسِي، وَاسْتَذْكُرُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ أَشَدُّ تَفَضُّيًا مِنْ صُدُورِ الرِّجَالِ مِنَ النَّعَمِ». (بخاری).

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چقدر بد است برای کسی که می گوید: فلان و فلان آیه را فراموش کرده ام. بلکه فراموش گردانیده شده اند. قرآن را زیاد تلاوت کنید زیرا قرآن، سریعتر از فرار کردن شتر، از سینه مردم، می گریزد».

۴۶ - عَنْ أَبِي مُوسَى رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَضُّيًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا». (بخاری).

ترجمه: ابوموسی اشعری رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از قرآن، مواظبت کنید (همواره آنرا تلاوت نمایید) سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قرآن سریعتر از شتری که زانویش بسته باشد، می گریزد».

۴۷ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضی الله عنه قَالَ: هَجَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمًا، قَالَ: فَسَمِعَ أَصْوَاتَ رَجُلَيْنِ اخْتَلَفَا فِي آيَةٍ، فَخَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُعْرِفُ فِي وَجْهِهِ الْغَضَبُ فَقَالَ: «إِنَّمَا هَذَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِاخْتِلَافِهِمْ فِي الْكِتَابِ». (مسلم).

ترجمه: عبد الله بن عمرو رضی الله عنه می گوید: روزی، هنگام ظهر به سوی رسول الله صلی الله علیه و آله رفتم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صدای دو نفر را شنید که در مورد (خواندن یا مفهوم) یک آیه با یکدیگر اختلاف داشتند. رسول الله صلی الله علیه و آله که خشم از صورتش نمایان بود، نزد ما آمد و فرمود: «باید بدانید که امت های گذشته به سبب اختلاف در کتابهای آسمانی نابود شدند».

۴۸ - وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: «كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ بَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَتَذَاكَرُ؛ يَنْزِعُ هَذَا بِآيَةٍ، وَيَنْزِعُ هَذَا بِآيَةٍ، فَخَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَأَنَّمَا يُفْقَأُ فِي وَجْهِهِ حَبُّ الرُّمَّانِ، فَقَالَ: «يَا هَؤُلَاءِ! بِهَذَا بُعِثْتُمْ، أَمْ بِهَذَا أُمِرْتُمْ؟! لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا؛ يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ». (طبرانی).

ترجمه: از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که جلو در خانه ی رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودیم و با هم مذاکره می کردیم و هر کدام از ما آیه ای می آوردیم؛ پس رسول الله (ص) درحالی نزد ما آمد که گویا در صورتش دانه ای همانند دانه های انار بیرون زده (از شدت خشم چهره ی مبارک سرخگون بود) و فرمود: «ای قوم، مگر برای این عمل فرستاده شده اید یا به این دستور داده شده اید؟ بعد از من به سوی کفر برنگردید که گردن همدیگر را بزنید».

۴۹ - وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «الْمِرَاءُ فِي الْقُرْآنِ كُفْرٌ». أَبُو دَاوُدَ، وَابْنُ حِبَانَ.

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «بحث و مجادله در مورد قرآن کفر است». *** [مراد تکذیب قرآن با قرآن می باشد].

۵۰ - عَنْ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا اتَّخَلَفَتْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ، فَإِذَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ فَقُومُوا». (مسلم).

ترجمه: جندب بن عبدالله بجلی رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «قرآن بخوانید تا زمانی که دل های شما بر آن، اتفاق دارند؛ و هرگاه در آن، اختلاف نمودید، آن را ترک کنید؛ یا تا زمانی که با نشاط هستید و حضور قلب دارید، قرآن تلاوت کنید؛ و هنگامی که نشاط و علاقه ندارید، آن را ترک کنید».



فصل چهارم

در باره سزای کسانی که به خاطر مردم قرآن تلاوت میکنند.

۵۱ - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه: أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يُخْرَجُ فِيكُمْ قَوْمٌ تَحْقِرُونَ صَلَاتَكُمْ مَعَ صَلَاتِهِمْ، وَصِيَامَكُمْ مَعَ صِيَامِهِمْ، وَعَمَلَكُمْ مَعَ عَمَلِهِمْ، وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ، يَمُرُّونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمُرُّ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، يَنْظُرُ فِي التَّصَلِّ فَلَا يَرَى شَيْئًا، وَيَنْظُرُ فِي الْقِدْحِ فَلَا يَرَى شَيْئًا، وَيَنْظُرُ فِي الرَّيْشِ فَلَا يَرَى شَيْئًا، وَيَتَمَارَى فِي الْفُوقِ».

(بخاری).

ترجمه: ابو سعید خدری رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ می فرماید: «گروهی در میان شما ظهور خواهند کرد که نمازتان را در برابر نماز آنها، روزهتان را در برابر روزه آنان و اعمالتان را در برابر اعمال آنان، حقیر می شمارید. آنها قرآن، تلاوت می کنند ولی قرآن از حنجره هایشان پایین تر نمی رود و از دین خارج می شوند همانطور که تیر از هدف (شکار) خارج می شود. تیرانداز به پیکان تیر، نگاه می کند و چیزی نمی بیند. به انتهای تیر نگاه می کند و چیزی نمی بیند. به پره های تیر، نگاه می کند و چیزی نمی بیند. و در شکاف سر تیر، شک می کند» (که آیا اثری از شکار در آن وجود دارد یا خیر).

۵۲ - وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه: أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ بَكُمْ إِذَا لَبَسْتُمْ فِتْنَةً يَرَبُو فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ، وَتَتَّخِذُ سَنَةً، فَإِنْ غُيِّرَتْ يَوْمًا قِيلَ: هَذَا مِنْكَرٌ! قِيلَ: وَمَتَى ذَلِكَ؟ قَالَ: إِذَا قَلَّتْ أُمْنَاؤُكُمْ، وَكَثُرَتْ أُمْرَاؤُكُمْ، وَقَلَّتْ فَقَهَاؤُكُمْ، وَكَثُرَتْ قَرَاؤُكُمْ، وَتُفْقَمَ لِغَيْرِ الدِّينِ، وَالتَّمَسَّتِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ. (عبدالرزاق).

ترجمه: از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: شما چگونه خواهید بود زمانی که فتنه‌ها شما را در برگیرد که بچه‌ها در آن رشد می‌کنند و بزرگسالان به پیری می‌گیرند و آن فتنه‌ها در نزد مردم سنت به حساب می‌آید و اگر روزی تغییر داده شود گفته می‌شود آیا این منکر است؟! گفته شد: این در چه زمانی خواهد بود؟ گفت: هنگامی که افراد امین شما کم و حاکمان زیاد و فقها کم و قاریان زیاد گردد و یادگیری برای غیر دین و عمل اخروی جهت کسب دنیا انجام شود.

۵۳ - وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «يُظْهَرُ الْإِسْلَامُ حَتَّى تَخْتَلِفَ الشُّجَارُ فِي الْبَحْرِ، وَحَتَّى تَخْوَضَ الْخَيْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ يَظْهَرُ قَوْمٌ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، يَقُولُونَ: مَنْ أَقْرَأَ مِنَّا؟ مَنْ أَعْلَمَ مِنَّا؟ مَنْ أَفْقَهُ مِنَّا؟»، ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «هَلْ فِي أَوْلِيكَ مِنْ خَيْرٍ؟». قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «أَوْلِيكَ مِنْكُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، أَوْلِيكَ هُمْ وَقَوْمُ النَّارِ». (طبرانی).

ترجمه: از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «چنان اسلام آشکار می‌گردد که تجار دریاها را زیر پا گذاشته و اسب‌ها در راه خدا می‌تازند؛ بعد از آن گروهی آشکار می‌گردند که قرآن را تلاوت می‌کنند و می‌گویند چه کسی از ما قاری‌تر؟ و چه کسی از ما داناتر؟ و چه کسی از ما فقیه‌تر می‌باشد؟ سپس رسول الله (ص) به یارانش فرمود: آیا در آنها خیری وجود دارد؟ گفتند: الله و رسولش داناترند. فرمود: اینها از شما و از این امت می‌باشند. و اینان افروزینه‌های جهنم‌اند».

۵۴ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ، فَأُتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعَمُهُ، فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ. فَقَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يَقَالَ: فَلَانٌ جَرِيءٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ، فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ، حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ. وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ، وَقَرَأَ الْقُرْآنَ، فَأُتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعَمُهُ، فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ، وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ لِيُقَالَ: عَالِمٌ، وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: هُوَ قَارِئٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ، حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ. وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ، فَأُتِيَ بِهِ، فَعَرَفَهُ نِعَمُهُ، فَعَرَفَهَا، قَالَ: فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا؟ قَالَ: مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ، قَالَ: كَذَبْتَ، وَلَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ: هُوَ جَوَادٌ، فَقَدْ قِيلَ، ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ». مسلم، نسائي، و ترمذي.

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «اولین کسی که روز قیامت محاکمه می شود مردی است که شهید شده؛ وی آورده می شود و خداوند نعمت های خود را به او یادآور شده و نشان می دهد و او نعمت ها را می شناسد و خداوند می فرماید: در مقابل این نعمت ها چه کردی؟ می گوید: در راه تو جنگیدم تا شهید شدم؛ خداوند می فرماید: دروغ گفתי، تو جنگیدی تا گفته شود: او شجاع است و چنین گفته شد. پس در مورد وی دستور صادر می گردد و با سر و صورت روی زمین کشیده شده و به دوزخ انداخته می شود. و مردی است که علم آموخته و به مردم یاد داده و قرآن خوانده است، آورده می شود و خداوند نعمت های خود را به او می شناساند و او هم آنها را می شناسد و خداوند می فرماید: در برابر این نعمت ها چه کردی؟ می گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضایت تو قرآن خواندم؛ خداوند می فرماید: دروغ گفתי، زیرا علم آموختی تا گفته شود که عالمی و قرآن خواندی تا گفته شود قاری هستی و چنین گفته شد. سپس در مورد وی نیز دستور داده می شود و با سر و صورت کشیده شده و به دوزخ انداخته می شود. و مردی است که خداوند به وی رزق زیادی داده و انواع مال به او ارزانی داشته است، آورده می شود و آن نعمت ها به او شناسانده می شود و آنها را می شناسد، خداوند می فرماید: در مقابل آنها چه کردی؟ می گوید: در راهی که تو دوست داشتی خرج شود، آن را به خاطر رضایت تو خرج کردم؛ خداوند می فرماید: دروغ گفתי زیرا این کار را کردی تا گفته شود جوانمرد و بخشنده است و چنین گفته شد. سپس با سر و صورت کشیده شده و به دوزخ انداخته می شود».

۵۵ - وعن عمر بن الخطاب رضی الله عنه؟ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخَرِينَ» (مسلم).

ترجمه: از حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند با این قرآن، کسانی را بلند و کسانی دیگر را پست می کند».



فصل پنجم

در باره ختم قرآن کریم

۵۶ - عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ أَنَّهُ كَانَ يَخْتِمُ الْقُرْآنَ كُلَّ لَيْلَتَيْنِ. (دارمی).

ترجمه: از سعید بن جبیر روایت شده که هر دو شب قرآن ختم میکرد.

۵۷ - عَنْ إِبْرَاهِيمَ قَالَ إِذَا قَرَأَ الرَّجُلُ الْقُرْآنَ نَهَارًا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُمِسيَ وَإِنْ قَرَأَهُ لَيْلًا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُصْبِحَ قَالَ سُلَيْمَانُ فَرَأَيْتُ أَصْحَابَنَا يُعْجِبُهُمْ أَنْ يَخْتِمُوهُ أَوَّلَ النَّهَارِ وَأَوَّلَ اللَّيْلِ. (دارمی).

ترجمه: ابراهیم می گوید وقتی شخصی در روز قرآن را ختم میکند ، فرشتگان تا شب برای او دعا می کنند. کسی که در شب قرآن را ختم میکند، فرشتگان تا صبح برای او دعا می کنند. سلیمان می گوید: "من دوستانم را دیده ام که دوست دارند قرآن را در ابتدای روز یا در ابتدای شب به پایان برسانند.

۵۸ - عَنْ عَبْدَةَ قَالَ إِذَا خَتَمَ الرَّجُلُ الْقُرْآنَ بِنَهَارٍ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُمِسيَ وَإِنْ فَرَغَ مِنْهُ لَيْلًا صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُصْبِحَ. (دارمی)

ترجمه: از عبده روایت شده که گفت: "هنگامی که شخصی قرآن را در روز تمام می کند ، فرشتگان تا عصر برای او دعای رحمت می کنند." و هنگامی که قرآن را در شب تمام می کند ، فرشتگان به دعای رحمت خود تا صبح برای او ادامه می دهند.

۵۹ - حَدَّثَنَا ثَابِتٌ قَالَ كَانَ أَنَسُ إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ جَمَعَ وَلَدَهُ وَأَهْلَ بَيْتِهِ فَدَعَا لَهُمْ. (دارمی).

ترجمه: از ثابت نقل شده است که وقتی انس بن مالک رضی الله عنه قرآن را تمام می کرد ، او فرزندان و خانواده خود را جمع می کرد و با آنها یکجا دعا می کرد..



فصل ششم

أجر خواندن ۱۰، ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ و ۱۰۰۰ آیه قرآن کریم در هنگام شب

۶۰ - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ بَعَشَرَ آيَاتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (دارمی).
ترجمه: روایت شده است که ابن عمر رضی الله عنهما گفت: هر که ده آیه در شب بخواند (در میان غافلان نوشته نخواهد شد).

۶۱ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (دارمی).
ترجمه: همچنین روایت است که عبدالله رضی الله عنه فرمود: هر کس شب پنجاه آیه بخواند در میان غافلان نوشته نخواهد شد.

۶۲ - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ. (دارمی).
ترجمه: روایت شده که ابن عمر (رضی الله عنه) می فرماید: هر کس در شب صد آیه بخواند ، در میان قانتین (عبادت کنندگان) نوشته خواهد شد.
۶۳ - عَنْ تَمِيمِ الدَّارِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ مَنْ قَرَأَ بِمِائَةِ آيَةٍ فِي لَيْلَةٍ كُتِبَ لَهُ قُنُوتُ لَيْلَةٍ. (دارمی).

ترجمه: از تميم داری نقل شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که شبانه صد آیه بخواند ، در میان نمازگزاران (نمازگزاران) آن شب نوشته خواهد شد.

۶۴ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ. (دارمی).
ترجمه: روایت شده: که حضرت عبدالله فرمود: هر کس در شب صد آیه بخواند در میان فرمانبرداران (عبادت کنندگان) نوشته خواهد شد.

۶۵ - عَنْ حَبِيبِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا أُمَامَةَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ بِمِائَةِ آيَةٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ. (دارمی).

ترجمه: از حبیب بن عبید نقل شده است که وی گفت: من از ابوعمامه شنیدم که می گفت: "هر که شبانه صد آیه بخواند از غافلان نوشته نخواهد شد.

۶۶ - عَنْ حَبِيبِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا أُمَامَةَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ مِائَتِي آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ. (دارمی).

ترجمه: از حبیب بن عبید نقل شده است که وی گفت: "من از حضرت ابوعمامه (رض) شنیدم که می گفت: هر که شبانه دو صد آیه بخواند (در نماز) در میان عبادت کنندگان نوشته خواهد شد.

۶۷ - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ عَشْرِ آيَاتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ بِمِائَتِي آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ. (دارمی).

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است: کسی که شب ده آیه بخواند در میان غافلان نوشته نخواهد شد. و هرکس ۱۰۰ آیه در شب بخواند از عبادت کنندگان نوشته خواهد شد. و هرکس در شب دو صد آیه بخواند ، در میان افراد فائزین نوشته خواهد شد.

۶۸ - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ عَشْرِ آيَاتٍ كُتِبَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَمَنْ قَرَأَ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ بِخَمْسِ مِائَةِ آيَةٍ إِلَى الْأَلْفِ أَصْبَحَ وَلَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ قِيلَ وَمَا الْقِنْطَارُ قَالَ مِلٌّ مَسْكٍ الثَّوْرِ ذَهَبًا. (دارمی).

ترجمه: ابوسعید خدری رضی الله عنه فرمود: هرکس شب ده آیه بخواند ، در میان "ذاکرین" نوشته خواهد شد. و هرکس در شب صد آیه بخواند ، میان فرمانبرداران (عبادت کنندگان) نوشته خواهد شد. و هرکس شبانه پنج صد آیه بخواند ، صبح با مبادله ای قنطار از خواب برخواید خاست. از او سوال شد ، قنطار چیست؟ او گفت ، "پوست گاو نر یا گاو برابر است با وزن طلا. *** [قنطار] مال بسیار و پوست گاو که پر از زر باشد.

۶۹ - عَنْ حَبِيبِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا أُمَامَةَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ وَالْقِنْطَارُ مِنْ ذَلِكَ الْقِنْطَارِ لَا يَفِي بِهِ دُنْيَاكُمْ يَقُولُ لَا يَعْدِلُهُ دُنْيَاكُمْ. (دارمی).

ترجمه: از حبیب بن عبید نقل شده است که از ابوعمامه (رض) شنیده که فرمود: هرکس شب یک هزار آیه بخواند ، مقدار ثواب معادل قنطار برای او نوشته می شود، که حتی با (ثروت) کل جهان قابل بازپرداخت نیست. او می گوید تمام ثروت دنیای شما با آن برابری نخواهد کرد.



فضیلت خواندن بعضی سوره‌ها و آیات قرآن کریم

۷۰ - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه قَالَ: بَيْنَمَا جِبْرِيلُ قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله سَمِعَ نَقِيضًا مِنْ فَوْقِهِ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ، فَقَالَ: هَذَا بَابٌ مِنَ السَّمَاءِ فُتِحَ الْيَوْمَ، لَمْ يَفْتَحْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ، فَنَزَلَ مِنْهُ مَلَكٌ فَقَالَ: هَذَا مَلَكٌ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ، لَمْ يَنْزَلْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ، فَسَلَّمَ وَقَالَ: أَبَشِّرْ بُنُورَيْنِ أُوتِيَتْهُمَا لَمْ يُؤْتَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ، فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَخَوَاتِيمُ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، لَنْ تَقْرَأَ بِحَرْفٍ مِنْهُمَا إِلَّا أُعْطِيَتْهُ. (مسلم).

ترجمه: ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: روزی، جبرئیل علیه السلام نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود که از بالای سرش، صدایی شنید. پس سرش را بلند کرد و گفت: «این دروازه‌ای است که امروز از آسمان باز شده است و به جز امروز، هرگز باز نشده است». آنگاه از آن دروازه فرشته‌ای پایین آمد و جبرئیل گفت: «این فرشته‌ای است که به زمین آمده است و به جز امروز، هرگز به زمین نیامده است». سپس آن فرشته، سلام کرد و گفت: «تو را به دو نور مژده می‌دهم که به تو عنایت شده‌اند و به هیچ پیامبری قبل از تو عنایت نشده‌اند؛ آنها سوره‌ی فاتحه و آیات پایانی سوره‌ی بقره هستند؛ هر قسمت از آنها را بخوانی، سؤالت اجابت می‌شود». (هدف از خواتیم سوره‌ی بقره از آمن الرسول تا پایان سوره می‌باشد).

۷۱ - وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا، وَإِنَّ سَنَامَ الْقُرْآنِ سُورَةُ ﴿الْبَقَرَةِ﴾، مَنْ قَرَأَهَا فِي بَيْتِهِ لَيْلًا؛ لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ بَيْتَهُ ثَلَاثَ لَيَالٍ، وَمَنْ قَرَأَهَا نَهَارًا، لَمْ يَدْخُلِ الشَّيْطَانُ بَيْتَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ». (ابن حبان).

ترجمه: از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر چیزی قله و اوجی دارد و اوج و قله قرآن سوره بقره است. [هرکس شبانه آن را در خانه‌اش بخواند

شیطان تا سه شب وارد خانه وی نمی‌شود و هرکس در روز آن را بخواند شیطان سه روز وارد خانه وی نمی‌شود.

۷۲ - عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيدَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ. (دارمی).

ترجمه: از اسما بنت یزید. روایت شده که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: "اسم اعظم

الله در این دو آیه موجود است: وَاللَّهُمَّ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۲﴾

و خدای شما خداوند یگانه است که غیر از او معبودی نیست؛ بخشنده ی مهربان است.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۱۷۳﴾

الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده (و جهان هستی را) نگه

دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین

است از آن اوست کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی

آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد

احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و

آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است.

۷۳ - عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ آلِ عِمْرَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى

اللَّيْلِ. (دارمی).

ترجمه: از مکحول روایت شده، گفت که کسی که در روز جمعه سوره آل عمران را

می‌خواند، فرشتگان تا شب برای او دعای رحمت میکنند.

۷۴ - وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرٍ أَنَّهُ قَالَ لِعَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَخْبَرِينَا بِأَعْجَبِ شَيْءٍ رَأَيْتِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

ﷺ؟ قَالَ: فَسَكَّتَتْ؛ ثُمَّ قَالَتْ: لَمَّا كَانَ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي قَالَ: «يَا عَائِشَةُ! ذَرِينِي أَتَعْبُدَ اللَّيْلَةَ

لِرَبِّي». قُلْتُ: وَاللَّهِ إِنِّي أَحِبُّ قُرْبَكَ، وَأُحِبُّ مَا يَسْرُكَ. قَالَتْ: فَقَامَ فَتَطَهَّرَ، ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي، قَالَتْ: فَلَمْ يَزَلْ يَبْكِي حَتَّى بَلَ حَجْرُهُ. قَالَتْ: وَكَانَ جَالِسًا فَلَمْ يَزَلْ يَبْكِي حَتَّى بَلَ حَيْتَهُ. قَالَتْ: ثُمَّ بَكَى حَتَّى بَلَ الْأَرْضَ. فَجَاءَ بَلَالٌ يُؤَذِّنُهُ بِالصَّلَاةِ، فَلَمَّا رَأَاهُ يَبْكِي، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! تَبْكِي وَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟ لَقَدْ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ اللَّيْلَةَ آيَةً؛ وَإِلَّ لِمَنْ قَرَأَهَا وَلَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الْآيَةَ كُلَّهَا». ابن حبان و...

ترجمه: از عبید بن عمیر رضی الله عنه روایت است که او به عایشه رضی الله عنها گفت: از عجیب‌ترین چیزی که از رسول الله صلی الله علیه و آله دیده‌ای به ما خبر بده؟ عایشه رضی الله عنها مدتی ساکت ماند، سپس گفت: شبی از شب‌ها رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «مرا بگذار تا امشب خدا را عبادت کنم». گفتم: به خدا قسم همنشینی با تو را دوست دارم و آنچه تو را خوشحال می‌کند نیز دوست دارم. رسول الله صلی الله علیه و آله بلند شده، وضو گرفت و نماز خواند. آنقدر گریه کرد که دامنش خیس شد و درحالی که نشسته بود آنقدر گریه کرد تا ریشش خیس شد و همینطور گریه کرد تا زمین هم خیس شد. بلال رضی الله عنه آمد تا او را از وقت نماز آگاه نماید که دید رسول الله صلی الله علیه و آله گریه می‌کند، گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله! گریه می‌کنی درحالی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است؟ فرمود: «آیا بنده‌ای شکرگذار نباشم؟ امشب آیه‌ای بر من نازل شده است و وای بر کسی که آن را بخواند و در آن تفکر نکند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخِ تِلْكَ آيَةٍ وَالنَّهَارِ لَا يَتُوبُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰]» [به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (آشکاری) برای خردمندان است].

۷۵ - وَعَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ مَرْفُوعًا: «تَعَلَّمُوا ﴿الْبَقَرَةَ﴾، وَ﴿آلَ عِمْرَانَ﴾، فَإِنَّهُمَا الزَّهْرَاوَانِ، يُظَلَّلَانِ صَاحِبَهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ، أَوْ غَبَايَتَانِ، أَوْ فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافٍ». (الحاكم).

ترجمه: ابن بریده از پدرش به صورت مرفوع روایت می‌کند که: «سوره بقره و آل عمران را بیاموزید؛ زیرا آن دو نور و گل شکفته هستند که در روز قیامت بر سر اصحاب و یاران خود سایه می‌افکنند همانند دو ابر سفید یا دو سایبان یا دو دسته پرنده‌ای که بال‌های خود را باز کرده‌اند».

۷۶ - عَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ، اقْرَأُوا الزَّهْرَاوِينَ: الْبَقَرَةَ وَسُورَةَ آلِ عِمْرَانَ، فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ، أَوْ كَأَنَّهُمَا عَيَاتَانِ، أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافٍ: تُحَاجَّانِ عَنْ أَصْحَابِهِمَا، اقْرَأُوا سُورَةَ الْبَقَرَةِ، فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَهٌ، وَتَرْكُهَا حَسْرَةٌ، وَلَا تَسْتَطِيعُهَا الْبُطْلَةُ» قَالَ مُعَاوِيَةُ: بَلَغَنِي أَنَّ الْبُطْلَةَ السَّحَرَةُ. (مسلم).

ترجمه: ابو امامه باهلی رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود: «قرآن بخوانید؛ زیرا قرآن روز قیامت برای صاحبانش، شفاعت می کند. دو سوره ی نورانی بقره و آل عمران را بخوانید؛ زیرا آن دو روز قیامت به شکل دو ابر یا دو سایبان یا دو گروه پرنده که بال گشوده اند، می آیند و از صاحبانشان، دفاع می کنند. سوره ی بقره را بخوانید؛ زیرا یاد گرفتن آن برکت است، و ترک کردن آن باعث حسرت می شود، و ساحران تاب و تحمل آن را ندارند».

۷۷ - عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟ قَالَ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟ قَالَ: قُلْتُ: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [البقرة: ۲۵۵]. قَالَ: فَضَرَبَ فِي صَدْرِي وَقَالَ: «وَاللَّهِ لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ أَبَا الْمُنْذِرِ». (مسلم).

ترجمه: ابی بن کعب رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابوالمنذر! آیامی دانی از میان آیات قرانی که یاد داری، کدام یک بزرگتر است؟» گفتم: الله و پیامبرش بهتر می دانند. رسول الله صلی الله علیه و آله دوباره فرمود: «ای ابوالمنذر! آیا می دانی از میان آیات قرانی که یاد داری، کدام یک بزرگتر است؟» گفتم: آیه الکرسی است. رسول الله صلی الله علیه و آله به سینه ام زد و فرمود: «ای ابوالمنذر! علم مبارکت باشد».

۷۸ - عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ قَرَأَ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، فِي لَيْلَةٍ، كَفَتَا». (مسلم).

ترجمه: ابو مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس، شبانه، این دو آیه ی پایانی سوره ی بقره را بخواند، او را (از هر بدی) کفایت می نمایند».

۷۹ - قَالَتْ عَائِشَةُ رضی الله عنها كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لَا يَنَامُ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَقْرَأَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَالزُّمَرَ. (ترمذی)

ترجمه: حضرت عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: "پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که سوره بنی اسرائیل و الزمر را نمی‌خواند نمی‌خوابید.

۸۰ - عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْكَهْفِ، عُصِمَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ». وَفِي رَوَايَةٍ: «مِنْ آخِرِ الْكَهْفِ». (مسلم).

ترجمه: ابودرداء رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس، ده آیه از اول سوره کهف، حفظ نماید، از دجال حفاظت می‌شود». و در روایتی آمده است که فرمود: «از آخر سوره ی کهف».

۸۱ - وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «مَنْ قَرَأَ (الْكَهْفِ) كَمَا أُنْزِلَتْ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ مَقَامِهِ إِلَى مَكَّةَ، وَمَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا ثُمَّ خَرَجَ الدَّجَالُ؛ لَمْ يُسَلِّطْ عَلَيْهِ، وَمَنْ تَوَضَّأَ ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»؛ كُتِبَ فِي رَقٍّ، ثُمَّ طُبِعَ بِطَائِعٍ فَلَمْ يُكْسَرْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (الحاکم).

ترجمه: از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس سوره ی کهف را چنانکه نازل شده بخواند، برای او در روز قیامت، از جایگاهش تا مکه نوری خواهد بود. و هرکس ده آیه ی آخر آن را بخواند، سپس دجال خارج گردد، بر او مسلط نمی‌شود؛ و کسی که وضو بگیرد و بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»: «خداوند! تو پاک و منزهی و ستایش لایق توسست، هیچ معبود به حق ی جز تو نیست، از تو طلب مغفرت می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم» در ورقی نوشته شده، سپس مهر شده و تا قیامت شکسته نخواهد شد».

۸۲ - عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ قَالَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ قَرَأَ يَسَ حِينَ يُصْبِحُ أُعْطِيَ يُسْرَ يَوْمِهِ حَتَّى يُمِيسِيَ وَمَنْ قَرَأَهَا فِي صَدْرِ لَيْلِهِ أُعْطِيَ يُسْرَ لَيْلَتِهِ حَتَّى يُصْبِحَ. (دارمی).

ترجمه: از شهر بن حوشب روایت شده است: ابن عباس (رض) فرمود: «هرکس صبح سوره یاسین را بخواند، روز او تا غروب صاف (آسان) می‌شود و هرکس در ابتدای شب سوره یاسین را بخواند، شب او تا صبح روان خواهد بود. آسان خواهد بود».

۸۳ - عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ مَنْ قَرَأَ الدُّخَانَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَصْبَحَ مَغْفُورًا لَهُ وَزَوْجٌ مِنَ الْخَوْرِ الْعَيْنِ. (دارمی).

ترجمه: از ابی رافع روایت شده است ، گفت که شخصی که سوره دخان را در شب جمعه می خواند ، صبح با حالت آمرزش از خواب بیدار میشود و با الحور العین ازدواج خواهد کرد.

۸۴ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِيسَى قَالَ أَخْبَرْتُ أَنَّهُ مَنْ قَرَأَ حَمَّ الدُّخَانِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا بِهَا أَصْبَحَ مَغْفُورًا لَهُ. (دارمی).

ترجمه: از عبدالله بن عیسی روایت شده است که فرمود: برای من خبر رسیده است که هرکس در شب جمعه سوره الدخان را با ایمان و اخلاص بخواند ، صبح با بخشش بلند می شود.

۸۵ - عَنْ عَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْمُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ وَيَقُولُ "إِنَّ فِيهِنَّ آيَةً خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ آيَةٍ. (ترمذی).

ترجمه: عرباض بن ساریه فرمود: پیامبر ﷺ قبل از خواب مسبحات را می خواند و می گفت: "در این سوره ها آیه ای وجود دارد که از هزار آیه بهتر است.

۸۶ - عَنْ الْحُسَيْنِ قَالَ مَنْ قَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ إِذَا أَصْبَحَ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ طُبِعَ بِطَابَعِ الشَّهَدَاءِ وَإِنْ قَرَأَ إِذَا أَمْسَى فَمَاتَ مِنْ لَيْلَتِهِ طُبِعَ بِطَابَعِ الشَّهَدَاءِ. (دارمی).

ترجمه: از حسن (رضی الله عنه) روایت شده است که اگر شخصی سه آیه آخر سوره حشر را صبح بخواند و در آن روز بمیرد ، به او مهر شهادت زده میشود یعنی شهادت نصیب او خواهد شد و اگر او عصر آن را تلاوت می کند و ، در آن شب می میرد ،شهادت نصیب او خواهد شد.

۸۷ - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «إِنَّ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ ثَلَاثُونَ آيَةً شَفَعَتْ لِرَجُلٍ حَتَّى غُفِرَ لَهُ، وَهِيَ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾». أبو داود، ترمذی، و....

ترجمه: از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «در قرآن سوره ای است که شامل سی آیه می باشد که برای مردی چنان شفاعت کرد تا بخشیده شد و آن، سوره ی ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ است».

۸۸ - وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «يُؤْتَى الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ، فَتُؤْتَى رِجْلَاهُ، فَتَقُولُ: لَيْسَ لَكُمْ عَلَى مَا قَبِلَ سَبِيلٌ، كَانَ يَقْرَأُ [عَلَى] سُورَةِ (الْمُلْكِ). ثُمَّ يُؤْتَى مِنْ قَبْلِ صَدْرِهِ، أَوْ قَالَ بَطْنِهِ

فَيَقُولُ: لَيْسَ لَكُمْ عَلَى مَا قَبِلِي سَبِيلٌ، كَانَ يَقْرَأُ فِي سُورَةِ (الْمُلْكِ)، فَهِيَ الْمَانِعَةُ، تَمْنَعُ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَهِيَ فِي التَّوْرَةِ سُورَةُ (الْمُلْكِ)، مَنْ قَرَأَهَا فِي لَيْلَةٍ فَقَدْ أَكْثَرَ وَأَطْيَبَ». (الحاكم).

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: مردی در قبرش گذاشته می شود؛ از طرف دو

پایش به سوی او می آیند، پس می گوید: هیچ راهی نیست تا به من برسد؛ زیرا بر من سوره‌ی ملک خوانده می شد. سپس از طرف سینه یا شکمش می آیند، پس می گوید: هیچ راهی نیست تا به من برسد؛ زیرا سوره‌ی ملک را می خواندم. و آن مانع است و مانع عذاب قبر می شود. و سوره‌ی ملک در تورات آمده است و کسی که آن را در شب بخواند، عمل زیاد و نیکویی انجام داده است».

۸۹ - عَنْ ابْنِ عُمَرَ \$ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ه «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُ رَأَى الْعَيْنَ؛ فَلْيَقْرَأْ: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ وَ ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾ وَ ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾». ترمذی، و...

ترجمه: از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس دوست دارد روز قیامت را چنان مشاهده کند که گویا با دو چشم می بیند، پس باید سوره های (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ) را بخواند».

۹۰ - عَنْ فِرْوَةَ بْنِ نَوْفَلٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ مَجِيءٌ مَا جَاءَ بِكَ قَالَ جِئْتُ لَتُعَلِّمَنِي شَيْئًا أَقُولُهُ عِنْدَ مَنْأَمِي قَالَ فَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَاقْرَأْ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثُمَّ نَمْ عَلَى خَاتِمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشَّرِّ. (دارمی).

ترجمه: فروة بن نوفل از پدرش روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه نیازی شما را به اینجا آورده است؟ وی گفت: من نزد تو آمده ام بخاطر اینکه شما (دعا یا ذکر) را به من یاد بدهید که بتوانم در خواب آن را بخوانم. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: "هنگامی که به رختخواب می روید (سوره (کافرون) را بخوان، سپس آن سوره را تمام کرده و به خواب بروید زیرا این سوره آزادکننده یعنی (نجات دهنده) از شرک است».

۹۱ - عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «أَيَعِزُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟ قَالُوا: وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [الإخلاص: ۱]. يَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ». (مسلم).

ترجمه: ابودرداء رضی الله عنه می گوید که: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا یکی از شما نمی تواند در یک شب، یک سوم قرآن را بخواند؟ صحابه عرض کردند: چگونه یکی از ما می تواند یک سوم قرآن را بخواند؟ فرمود: «سوره ی اخلاص برابر با یک سوم قرآن می باشد».

۹۲ - عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَّةٍ، وَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ فَيَخْتِمُ بِ: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: «سَلُّوهُ، لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ». فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ». (مسلم).

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله مردی را به عنوان مسئول یک دسته ی نظامی تعیین فرمود. آن مرد، نماز را برای همراهانش امامت می نمود و قرائتش را در نماز با سوره ی اخلاص به پایان می رساند. آنان هنگام بازگشتن از مأموریتشان، موضوع را با نبی اکرم (ص) در میان گذاشتند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «از او پرسید که چرا چنین می کند». آنها علتش را از او پرسیدند. او گفت: سوره ی اخلاص الله متعال را توصیف نموده است؛ لذا من دوست دارم آن را بخوانم. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به او بگویند که الله متعال او را دوست دارد».

۹۳ - عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَلَمْ تَرَ آيَاتِ أَنْزَلَتْ اللَّيْلَةَ لَمْ يُرْ مِثْلُهَا قَطُّ؟ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفلق: ۱]. ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ [الناس: ۱]. (مسلم).

ترجمه: عقبه بن عامر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا نمی دانید که دیشب آیاتی نازل شده است که مثل آنها دیده نشده است؛ آنها سوره های فلق و ناس هستند».

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین



